

تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک از منظر آیات و روایات

هاجر ذبیحی^۱، فاطمه صادقی^۲

چکیده

متون دینی اعم از قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام، خصایص و ویژگی‌هایی را برای مادران برشمرده است که در صورت التزام نظری و عملی به آنها می‌توانند تأثیرگذاری مفید و مؤثر را در تربیت دینی فرزندان‌شان داشته باشند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه منابع کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از آیات و روایات تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. یافته‌ها و ره‌آورد‌های پژوهش بیانگر آن است که مهمترین مؤلفه‌های محوری که نقش اساسی در تربیت دینی کودک دارند عبارتند از یقین و ایمان قلبی، تقوا و فضیلت الهی، پایبندی به تعبد و بندگی، قداست خانوادگی، اخلاق‌مداری و شیر مادر. همچنین مشخص شد که مادرانی که به این خصیصه‌ها آراسته شده‌اند و به این سطح از خودسازی و پاک‌دامنی نائل شده‌اند، می‌توانند فرزندان صالح و موفق و مفیدی به جامعه تقدیم نمایند و شاهد رشد و تعالی ظرفیت‌ها و استعداد‌های فرزندان‌شان باشند.

واژگان کلیدی: آیات و روایات، مادر، خودسازی، معنویت، تربیت، تربیت دینی، کودک.

۱. مدیر گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: zabihahajar@gmail.com

ORCID: 0000-0002-3594-025X

۲. دانش‌پژوه کارشناسی رشته علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: fatsadeqi2000@gmail.com



۱. مقدمه

رسالت پیامبران و هدف نهایی دین، تقرب و نزدیک شدن انسان به خداست و این مهم با خودسازی میسر می‌شود. از این رهگذر است که انسان به مدارج و مراتب علیا صعود می‌کند و همان‌گونه که انسان با خودسازی به حیات و سعادت جاودان می‌رسد در تربیت و هدایت دیگران نیز این تأثیرات مطلوب را می‌گذارد. این تأثیرگذاری برای مادران در تربیت دینی کودکان اولویت بیشتری دارد؛ زیرا فرزندان متأثر از مادران هستند و از آنها الگوبرداری می‌کنند. اگر مادران آراسته به پاکی و طهارت باطنی باشند تأثیرات روحی و روانی فراوانی بر فرزندان می‌گذارند. برپایه رهنمودهای قرآن و روایات تربیت در سه مرحله پیش از تولد، حین تولد و پس از تولد و خود مرحله پس از تولد در سه دوره، هفت‌سالگی اول، دوم و سوم حسب اقتضائات و شرایط انجام می‌پذیرد. در تمام این مراحل، برخورداری مربی یعنی، مادر از خصیصه‌ها و ویژگی‌هایی مانند آگاهی و اطلاع، خودسازی و خودارزیابی، داشتن جهان‌بینی وسیع، صبر، حوصله و اقتدار و... شرط لازم تأثیرگذاری است. پژوهش حاضر با تمرکز بر مسئله خودسازی به صورت خاص، تأثیر خودسازی مادر را بررسی می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک از منظر آیات و روایات را بررسی می‌کند. تربیت و مسائل مرتبط با آن دغدغه همیشگی بشر بوده است. در این مورد تألیفات فراوانی منتشر شده است که برخی از آنها عبارتند از: تعلیم و تربیت در اسلام، راهکارهای عملی تربیت دینی کودکان از محمد بیرانوند؛ نقش مادران در تربیت دینی فرزندان از محمد احسانی؛ تأثیر مادر در تربیت تألیف دکتر علی قائمی که بیشتر به مباحث معنوی مرتبط با تربیت می‌پردازد؛ فرزند صالح تألیف ستار پورابراهیم که بیشتر به شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی می‌پردازد؛ مقاله حسن ملکی، عباسعلی شاملی و مهدی شکراللهی بانام تربیت عبادی کودکان که بیشتر به مباحث عبادی و ضرورت آنها برای کودک و روش‌های آشنایی کودک پرداخته است؛ اصول تربیت

دینی از منظر آیات و روایت نوشته علی اکبر زهره کاشانی که بیشتر به اصول تربیتی و تعلیم و تربیت دینی می‌پردازد؛ خودآگاهی و کارکردهای تربیتی آن در بهبود روابط اجتماعی انسان در قرآن و حدیث از فاطمه سیفعلی؛ سهراب مروتی و سید محمدرضا حسینی نیا. باتوجه به منابع یادشده و منابع مشابه می‌توان مدعی شد که در حوزه پیشینه خاص، اثری همسو و دغدغه اتخاذ شده یافت نشد. بنابراین، می‌توان گفت که پژوهش پیش‌رو فاقد پیشینه خاص است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی است و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها و تحلیل اطلاعات در گروه تحقیقات اکتشافی قرار دارد. همچنین از نظر داده، کیفی و برحسب برآیند، بنیادی و کاربردی است؛ زیرا درصدد تبیین تأثیر خودسازی مادر در تربیت دینی کودک از منظر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم و روایات است.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. خودآگاهی

خودآگاهی مفهومی فراتر از خودشناسی است. برخی از روان‌شناسان آن را به معنای درک، توجه و آگاهی از ابعاد وجودی، ویژگی‌ها، افکار، احساسات، گرایش‌ها و رفتارهای خود در طی فرآیند زمان می‌دانند. (لطیفیان و سیف، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹) برخی دیگر، خودآگاهی را یکی از سازه‌های مهم شخصیت و به معنای آگاهی انسان از احساسات، نیازها و هیجان خود می‌دانند. خودآگاهی، نخستین گام در شکل‌دهی مهارت‌ها و ارتباط است (فرهنگی، ۱۳۸۵، ۱/۱۳۰). خودآگاهی گرایش به آگاهی، نظارت بر تفکرات شخصی و فرایندهای شناختی خود، نتیجه رشد ساختارها و فرایندهای شناختی و عواطف و احساسات تنیده در آن است. خودآگاهی از نخستین سال‌های دوران کودکی تا بزرگسالی از تعاملات اجتماعی و روابط بین-فردی تأثیر می‌پذیرد و یکی از ملزومات سازگاری است که می‌تواند بر تعاملات بین‌فردی،

فرایندهای شناختی و سازگاری تأثیر مثبت بگذارد (ابوالقاسمی، ۱۳۹۰، ص ۲۷). خودآگاهی را می‌توان به صورت توانایی روانی-اجتماعی برای رفتار انطباقی و مؤثر در نظر گرفت که با آن افراد یاد می‌گیرند به طور مؤثری با مقتضیات و مسائل زندگی روزمره مقابله کنند. این توانایی، فرد را برای مقابله مؤثر با موقعیت‌ها آماده می‌کند. با فراگیری این مهارت، فرد می‌تواند با رفتارهای مثبت و سازش‌یافته، سلامت جسمانی و به‌ویژه سلامت روان شناختی خود را ارتقا بخشد (خانزاده و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۳۵). شناخت قوت‌ها و ضعف‌های فرد از خود مهمترین عنصر تعیین‌کننده در خودآگاهی است. از این رهگذر است که فرد می‌تواند اقدام مؤثر و سازنده اتخاذ و براساس آن برنامه‌ریزی کند.

۴-۲. خودسازی

خودسازی معادل واژه تزکیه نفس است. تزکیه مصدر زکی است و در لغت به معنای پاک گردانیدن، صلاح و فزونی، رشد نفس، مال و کشت و زرع آمده است؛ رشد و فزونی حاصل از برکت الهی که در امور دنیوی و اخروی به کار می‌رود. کنار گذاشتن بخشی از مال برای مسکینان و فقرا را از آن رو زکات گفته‌اند که امید برکت و رشد در مال و نفس برای زکات‌دهنده وجود دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۰) برخی مانند ابن اثیر برآنند که اصل زکات در لغت به معنی طهارت و پاکی، نمو و رشد، برکت و فزونی از سوی خدا و مدح و ستایش است که همه این معانی در قرآن و حدیث آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ۳۵۹/۱۴). علامه مصطفوی معنای اساسی و اصلی در ماده زکو را رد صلاحیت ناحق و بیرون کردن آن از وجود سالم می‌داند که موارد دیگر مانند رشد و فزونی یافتن، صلاح، طهارت، برکت و لیاقت از لوازم و آثار آن است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۳۳۷/۴).

علامه مصباح یزدی در تبیین و تعریف خودسازی می‌نویسد: «خودسازی ایجاد هماهنگی و تعادل میان فعالیت‌های علمی و عملی و بسیج کردن آنها برای نیل به سعادت حقیقی و رستگاری راستین است. ما بعد از تأمل و اندیشه عمیق در وجود خود به عوامل و ابزاری که در فطرت ما برای رسیدن به هدف آفرینش به‌ودیعت گذاشته شده، پی می‌بریم، گرایش‌ها و کشش‌های درونی و باطنی برای نیل به اوج تعالی روحی و معنوی را کشف می‌کنیم و روابطی که

ما را با دیگران پیوند داده و تقویت و تحکیم آنها ما را برای تکامل و صعود آماده‌تر می‌سازد، می‌شناسیم. اکنون نوبت آن می‌رسد که میان این روابط، گرایش‌ها و نیروهای به ظاهر ناسازگار و حتی متضاد هم‌گرایی، آشتی و تعادل برقرار نماییم به گونه‌ای که آینده آنها زمینه‌ساز تکامل و عروج معنوی ما و جهت آنها در راستای خروج از جاذبه خاک و ورود به مدار قرب پروردگار باشد. این تنظیم، شکل دهی و جهت بخشی الهی به تلاش‌ها و کشش، خودسازی و تهذیب نفس نام دارد». (مصباح بزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۱)

نیاز ضروری انسان به خودسازی امری واضح است. این نیاز درحقیقت همان نیاز به دین است؛ زیرا هدف کلی دین انسان سازی و هدف نهایی آن نزدیک شدن به خداوند در دنیا و نجات از هلاکت و رسیدن به حیات و سعادت جاودان در آخرت است که خودسازی این اهداف را تحقق می بخشد. هر انسان خردمندی که به خداوند و جهان آخرت اعتقاد دارد و رستگاری انسان را به درستی عقاید و نیکی اعمال و ملکات اخلاقی می داند، حکم می کند که تلاش برای رستگاری، یگانه کاری است که شایسته است همه زندگی وقف آن شود. درباره تأثیر خودسازی، تربیت و تأدیب نفس امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «وَقَالَ عليه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، [فَعَلَيْهِ أَنْ يُبَدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ وَلْيَكُنْ تَأْدِيْبُهُ سَبِيْرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيْبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدَّبُهَا، أَحَقُّ بِالْإِحْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدَّبِهِمْ؛ كَسَى كَذِبٌ خُدَّاءَ الرَّهْبَرِ خُذْرًا» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۶۳۹/۷۳).

دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد) (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ۶۳۹/۷۳).

امام علی علیه السلام در این رهنمود وحیانی به سه مطلب بنیادی و زیربنایی در مورد خودسازی پیشوایان و مربیان اشاره کرده است و مادران را نیز مربیان و پیشوایان کودکان می‌داند. براساس این بیان می‌توان گفت بر پیشوا واجب است که نخست خویشتن را تعلیم دهد؛ یعنی نسبت به آدابی که دناست خویشتن را تمرین دهد تا رفتار و گفتارش موافق علم و آگاهی‌اش باشد. دوم اینکه گفتار با رفتار مطابقت داشته باشد؛ زیرا طبیعت انسان‌ها با دیدن رفتار، رام‌تر و اثرپذیرتر



است تا گفتار و آن روش و رفتار باید با گفتار مطابق باشد و در نهایت اینکه آن کسی که خود را ادب کند، سزاوارتر به بزرگداشت و احترام است تا آنکه دیگران را ادب می‌کند وی را به تأدیب نفس واداشته است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که آن کس که سزاوارتر به احترام باشد، لازم است چیزی را اول خود انجام دهد که به خاطر آن نسبت به دیگران شایسته‌تر به احترام گشته است. (بحرانی، ۱۳۷۵، ۴۶۷/۵)

سعادت در دنیا و نجات از عذاب آخرت جز با خودسازی و تسلط بر خویشتن امکان‌پذیر نیست. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ وَإِذَا اشْتَهَى وَإِذَا عَضِبَ وَإِذَا رَضِيَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ؛ کسی که هنگام انگیزش و گریزش نفس و در حالت شهوت و خشم، مالک خود است و بر آن تسلط دارد خداوند بدن او را بر آتش حرام می‌کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ۴۰۰/۴). تمام سعادت و شقاوت انسان بستگی به تلاشی دارد که او در این مسیر متحمل می‌شود. قرآن کریم در ضمن دو آیه بسیار کوتاه به صورت صریح و روشن به این حقیقت اشاره کرده است که رستگاری و زیان‌کاری یا پیروزی و شکست انسان در زندگی دنیوی و اخروی در گرو خودسازی و ترک آن است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ که به یقین کسی که آن را پاک کرد و رشد داد رستگار و پیروز شد و به یقین کسی که آن نفس را با گناه آلوده کرد و پوشاند، نومید شد» (شمس: ۹-۱۰).

۳-۴. تربیت

در زبان فارسی واژه تربیت به معانی پروردن (دهخدا، ۱۳۷۷، ۵۵۰/۱۵)، ادب و اخلاق را به کسی آموختن (معین، ۱۳۸۱، ۴۴۳/۱) و پرورش دادن (عمید، ۱۳۶۹، ص ۴۲۵) آمده است. در زبان عربی واژه تربیت مصدر باب تفعیل است و لغت‌شناسان ریشه آن را به معنای زیادت (فراهیدی، ۱۴۰۹، ۲۸۴/۸) و از (رب) می‌دانند که یک «باء» آن تبدیل به «و» شده و معنای تدریجی بودن در دل تربیت نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۰). جوهر و گوهر معنای تربیت زیاد و متورم شدن شیء در خودش برای کسب فضل و زیاده است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۳۵/۴). درباره تعریف اصطلاحی تربیت سخن بسیار است. «تربیت فرایند یاری‌رسانی به مترقی برای ایجاد تغییر

تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد» (اعرافی، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای اوست و این استعدادها در انسان عبارتند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۲۰). براساس تعاریف یاد شده و تعاریف همسو می‌توان نتیجه گرفت که تربیت امری است که به صورت فرایندی برای پرورش و شکوفاسازی استعدادها و قابلیت‌های بالقوه توسط مربی در مرتبی انجام می‌گیرد. بنابراین، موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است و لازمه تربیت، شناخت روح، روان، قوا و استعدادهای همه‌جانبه و داشتن برنامه برای فراهم‌سازی زمینه‌ها و مؤلفه‌های رشد متوازن است.

۴-۴. تربیت دینی

گاه تربیت دینی به معنای اعم و شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی است که می‌توان آن را مترادف تربیت اسلامی دانست. براین اساس، تربیت دینی منحصر در مسائل اعتقادی، اخلاقی و معنوی نمی‌شود، بلکه همه ابعاد را براساس گزاره‌های دینی دربرمی‌گیرد. گاهی از آن معنای خاصی اراده می‌شود و به معنای جنبه خاصی از تربیت است که فرد را به وظایف دینی و آداب شرعی آشنا می‌کند و او را به خودشناسی و خداشناسی می‌رساند. (احمدی، ۱۳۷۵، ص ۵۷) از نظر بهشتی و نیکویی تربیت دینی عبارت است از: مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای ایجاد، ابقا و اکمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا می‌شود (بهشتی و نیکویی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸). تربیت دینی بخشی از تربیت است که باعث رشد فرد در عرصه‌های گوناگون مانند امور اخلاقی، ارزشی و شکوفایی برای نیل به مطلوب می‌شود.

۴-۵. کودک

واژه کودک در فارسی به معنای فرزندی است که به حد بلوغ نرسیده است. (معین، ۱۳۸۱، ص ۱۴۱) در لغت عرب نیز این واژه را می‌توان معادل کلماتی مانند طفل، صبی و مراهق دانست که هرکدام از این واژگان، ادوار و سنین خاصی را شامل می‌شود. در تعریف اصطلاحی مفهوم کودک در علوم مختلف اختلاف نظر وجود دارد و هر دانشمندی باتوجه به تخصص خود به تعریف کودک و دوران کودکی پرداخته و نگاه بیولوژیکی داشته و کودک را از منظر سن و خصوصیات بیولوژیکی تعریف کرده است. معنای کودکی در نگاه اسلامی منحصر در دیدگاه بیولوژیکی نیست، بلکه ویژگی‌های اجتماعی نیز در تعیین دوره کودکی مطرح است (ربانی، خان-محمدی و افروغ، ۱۳۹۹، ص ۱۴۷). براساس روایات معصومین علیهم‌السلام آغاز تربیت کودک به پیش از تولد و دوران جنینی برمی‌گردد. پژوهش حاضر درصدد آن است که تأثیر خودسازی مادر در فرایند تولد و رشد کودک را تجزیه و تحلیل کند تا مشخص شود که چه تأثیراتی داشته و مادران در این مقاطع حساس چی اقدامات و تکالیف مهم و تأثیرگذار و سرنوشت‌سازی دارند که باید نسبت به آن اهتمام جدی داشته باشند و بستر رشد و شکوفایی کودک را در مراحل بعدی فراهم کنند.

۵. نقش مادر در تربیت

مادر در پرورش جسمی و روحی فرزندان نقش‌های گوناگونی برعهده دارد که مهمترین آنها، نقش تربیتی و دینی است. این نقش می‌تواند قبل از بارداری و یا هنگام بارداری و یا بعد از بارداری بررسی شود. مادر بهترین فردی است که پس از تولد فرزند، شایستگی لازم را برای تربیت وی دارد و به خوبی می‌تواند جسم و روح وی را پرورش دهد. مادر علاوه بر مسئولیت شخصی، مسئولیت سازندگی دیگران یعنی، نسل آینده را نیز برعهده دارد. فساد او فساد جامعه و سلامت و صلاح او صلاح و سلامت جامعه است. بنابراین، مادری که می‌خواهد موجبات رشد و تعالی انسانی را عهده‌دار شود باید قبل از اینکه اقدام به فرزندار شدن کند خود در جهات انسانی تربیت شود و

خودسازی کند بدین معنی که زن بتواند به علم، معرفت، کمالات معنوی و اخلاق دست یابد تا آمادگی این امر مهم را پیدا کند. (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۴۲)

۶. تحلیل تأثیر خودسازی مادر

۱-۶. جایگاه و مقام مادر در قرآن

درباره مقام و منزلت جایگاه والدین همین بس که خداوند در ۵ آیه نیکی به پدر و مادر را همتای یکتاپرستی معرفی کرده است: «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره: ۸۳)؛ «وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶)؛ «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱)؛ «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»، «يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ وَ وَضَعْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» (لقمان: ۱۳-۱۴). مستفاد از آیات ذکر شده این است که بدی به والدین بعد از شرک به خدا در شمار بزرگ‌ترین گناهان و واجب‌ترین واجبات، نیکی به آنهاست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۵۱۵/۷). اینکه بعد از امر به عبادت خداوند نیکی به پدر و مادر ذکر شده است به چند دلیل است: اول، نعمت‌های خداوند بالاترین نعمت‌ها بر بنده است و بعد از پروردگار عالم، پدر و مادر سبب وجود فرزند هستند؛ دوم، خداوند مؤثر واقعی و حقیقی در وجود انسان است و پدر و مادر به حسب ظاهر در وجود او مؤثر هستند. بنابراین، ابتدا مؤثر حقیقی و سپس مؤثر ظاهری ذکر شده است. سوم، خداوند درمقابل نعمت‌هایش از بنده اش چیزی نمی‌خواهد. پدر و مادر هم درمقابل نعمت خود از فرزند چیزی طلب نمی‌کنند. این نعمت آنها شبیه نعمت خداوند است. چهارم، خداوند نعمت خود را از بنده اش دریغ نمی‌کند اگرچه بنده گناهکار باشد. همچنین پدر و مادر، فداکاری‌های خود را از فرزند دریغ نمی‌کنند اگرچه فرزند به آنها بدی کرده باشد. جالب اینکه کلمه احسان به وسیله «ب» متعدی شده و آمده است: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» که معنای آن نیکی کردن به طور مستقیم و بدون واسطه است. این آیه تأکید می‌کند که موضوع نیکی به پدر و مادر آن قدر اهمیت دارد که بدون واسطه باید انجام شود.

به دلیل همین جایگاه و منزلت است که خداوند در مورد حضرت یحیی علیه السلام می‌فرماید: «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا؛ و با پدر و مادر خود نیک‌رفتار بود و زورگوی نافرمان نبود». (مریم: ۱۴)

در مورد حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا؛ خداوند مرا نسبت به مادرم نیکوکار قرار داده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است» (مریم: ۳۲). خداوند به انسان‌ها سفارش کرده است که نسبت به پدر و مادر احترام و نیکی کنند و نگفته است که «ای مسلمان‌ها! و یا ای مؤمنان! به پدر و مادر خود احترام کنید» چون در آیه شریفه سخن از انسان است بدون هیچ قیدی به ایمان و اسلام. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا؛ و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند» (عنکبوت: ۸). مطلق بودن احسان هرگونه نیکی را دربرمی‌گیرد و اطلاق والدین، پدر و مادر چه مسلمان و چه غیرمسلمان را شامل می‌شود.

در آیه زیر با آنکه پدر و مادر کافر هستند و فرزند را دعوت به کفر می‌کنند خداوند فقط در این مورد اجازه عدم اطاعت داده است، اما می‌فرماید: «ولو اینکه آنها کافرنند، ولی با آنها در دنیا به طور شایسته‌ای معاشرت و رفتار کن». «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا؛ و اگر تو را وادارند تا درباره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی از آنان فرمان مبر و [ولی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن» (لقمان: ۱۵).

خداوند درقبال صبر و بردباری مادر، اجر و پاداش بی‌پایان به او عنایت می‌کند. قرآن کریم به رنج و مشقت مادر اشاره کرده است و می‌فرماید: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا؛ مادرش با ناگواری او را بارداری کرد و با ناگواری او را بزاد و بارداری او و از شیر بازگرفتنش سی ماه است» (احقاف: ۱۵). آیه در ابتدا نیکی به والدین را سفارش می‌کند آن‌گاه به دنبال این سفارش به ناراحتی‌هایی که مادر در دوران حاملگی، وضع حمل و شیردان تحمل می‌کند اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۳۰/۱۸). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تبیین و عظمت جایگاه مادر می‌فرماید: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت زیر پای مادران است» (طباطبایی بروجردی، ۱۳۸۶، ص ۹۰). این حدیث حاکی از آن است که بدون رضایت مادر نمی‌توان به بهشت و نعمت‌های بهشتی دست یافت. مادر در اسلام مقام و ارزش بسیار بالایی دارد به‌طوری‌که برای

مادر دنیای زیبایی ایجاد کرده که همه افراد باید به مقام او احترام و تعظیم کنند؛ زیرا بخش اعظم سعادت‌مندی فرزندان و لایق بهشت شدن توسط مادر است و مادر در برابر فرزندان نیز محترم است و این احترام دستور مؤکد اسلام است.

۶-۲. مؤلفه‌های محوری خودسازی

۶-۲-۱. یقین و ایمان قلبی

مادر که به توحید، نبوت، عدل، امامت و معاد ایمان دارد با مادری که به هیچ کدام از این اصول ایمان و اعتقاد ندارد یکسان نیست. قرآن کریم درباره اهمیت و نقش اساسی ایمان و باور قلبی و تأثیر آن در زندگی و تربیت دینی کودک خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُوْمِنَ وَلَآمَهُ مُؤْمِنُهُ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُوْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ؛ و با زنان مشرک [بت پرست] ازدواج نکنید تا ایمان آورند و مسلماً کنیز باایمان، از زن (آزاد بت پرست) مشرک بهتر است و اگرچه شما را به شگفت آورد و به مردان مشرک [بت پرست] زن مدهید تا ایمان آورند و مسلماً برده باایمان از مرد (آزاد بت پرست) مشرک بهتر است و اگرچه شما را به شگفت آورد. آنان به سوی آتش فرامی‌خوانند و خدا با رخصت خود به - سوی بهشت و آمرزش فرامی‌خواند و آیاتش را برای مردم روشن بیان می‌کند باشد که آنان متذکر شوند» (بقره: ۲۲۱).

براساس این آیه می‌توان نتیجه گرفت که مسئله ایمان و باور قلبی همسران امری ضروری و تأثیرگذار است و روشن است که زنانی که خود فاقد ایمان باشند، نمی‌توانند مروج ارزش‌های والای انسانی و اسلامی باشند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِی بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». این کار همسر عمران، نشان‌دهنده ایمان و اعتقاد قوی است و یقین داشت که اگر فرزندش را در راه خدا آزاد بگذارد خداوند او را به بهترین وجه پرورش می‌دهد. همان‌طور که ایمان و باور قلبی مادر مریم در تربیت دینی فرزندش مؤثر بود ایمان و باور و اعتقاد مادر می‌تواند در تربیت فرزند باایمان و با اعتقاد نقش داشته باشد. بنابراین، می‌توان گفت که ایمان و باورهای دینی علاوه بر تأثیر در زندگی خصوصی همسران در



تربیت دینی فرزندان نیز تأثیر شگرفی دارد. شرک و بی‌ایمانی مادر در سرنوشت فرزندان مؤثر و مایه انواع انحراف‌ها می‌شود، بلکه شعله سوزانی است که سعادت دنیا و آخرت مادر و فرزندان را به آتش می‌کشد (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۷۹) و باید به این مسئله مهم در امر مقدس ازدواج و زناشویی توجه شود.

۲-۲-۶. تقوا و فضیلت الهی

تقوا از ولی به معنای حفظ شیء از آنچه اذیت و آزار می‌رساند، است. (قرشی، ۱۳۷۱، ۲۳۶/۷) نتیجه خودشناسی و خودسازی یافتن یک تحول فکری در خود و حرکت به سوی هدفی انسانی و راه یافتن به کمال است. انسان خودساخته خود را موظف می‌داند که در طریق تقوا گام بردارد (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۴۴). آیات زیادی در قرآن تقوی و اهمیت آن را بررسی کرده است. قرآن تقوی را زمینه پذیرش هدایت و متقین را شایسته آن می‌داند و آن را زمینه مصاحبت با خودش معرفی می‌کند، تقوی را موجب ازدیاد برکات ارضی و سماوی و عامل مؤثر در بهبود اقتصاد می‌داند، تقوی را برای عبور از صراط بهترین توشه دانسته و می‌گوید: «ارزش انسان به تقوای اوست و وارثان بهشت اهل تقوی هستند». موارد یاد شده در سوره‌های مختلف آمده است (ر.ک.، بقره: ۲؛ اعراف: ۹۶؛ نوح: ۱۲-۱۰؛ حجرات: ۱۳؛ بقره: ۱۹۷؛ اعراف: ۲۶). اساس جامعه اسلامی بر فضیلت و تقواست و این هنگامی ممکن است که تربیت براساس تقوا استوار شود و این میسر نیست جز هنگامی که مادران باتقوا، سرانجام آن را برعهده گیرند؛ زیرا مادر اولین کسی است که بذر تربیت را در جان و روان کودک می‌پاشد و دامن مادر اولین مدرسه کودک است. ایمان و تقوای مادر و خیرخواهی و پاکدلی او در فرزند اثر دارد.

۳-۲-۶. پابندی به تعبد و بندگی

سیستم فکری و حالت روانی مادر بر روحیات فرزند مؤثر است. تربیت فرزند به گفتن و موعظه نیست، بلکه به عمل و رفتار است. بسیاری از ناهنجاری‌هایی که در فرزندان مشاهده می‌شود از رفتار پدر و مادر نشأت می‌گیرد. اگر مادر می‌خواهد فرزندش نماز اول وقت بخواند بدون آنکه چیزی بگوید باید خود با اعتقاد به این کار عبادت کند تا ثمره‌اش را در وجود فرزندش ببیند.

قرآن کریم درباره روحیه تعبد و بندگی مادر در سوره آل عمران درباره حضرت مریم علیها السلام می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ و (به یاد آرید) هنگامی که فرشتگان گفتند: ای مریم! درحقیقت خدا تو را برگزیده و تو را پاک ساخته و تو را بر زنان جهانیان (برتری داده و) برگزیده است. ای مریم! برای پروردگارت فرمانبرداری فروتن باش و سجده به جای آور و با رکوع‌کنندگان، رکوع نمای)» (آل عمران: ۴۳-۴۴).

آیات مورد بحث می‌فهماند که خداوند دو خبر برای مریم آورده است: «یکی اینکه خدای تعالی تو را با مقام و منزلتی که نزد او داری گرامی داشته، دوم وظیفه عبودیتی است که تو باید ملازم آن باشی تا تلافی آن مقام و منزلت بوده باشد». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۸۸/۳) مریم به دلیل خلوص و عبادت خداوند به جایگاه بس عظیمی در پیشگاه خداوند رسید به طوری که خداوند مریم را بر زنان هم عصر خود برتری داد و فرزندی مانند حضرت عیسی علیه السلام را به او بخشید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۴۰۹/۲). زنی که روح و جان خود را با عبادت، نماز و روزه صیقل داده و دائم به یاد خداست می‌تواند روحیه عبادت را در فرزند خود پرورش دهد و تأثیرات عمیق خود را بر او بگذارد.

۶- ۲- ۴. قداست خانوادگی

اصلت خانوادگی از ویژگی‌های مهمی است که سعادت خانواده و فرزندان را به دنبال دارد. خانواده‌ای که اصلت دارد از پستی‌ها و آلودگی‌ها به دور است. یکی از معیارهای مهم در امر ازدواج که باید به آن توجه کرد مسئله اصلت و نجابت خانوادگی است. وقتی گفته می‌شود فرد اصیل را انتخاب کنید یعنی، فرد از نظر خانوادگی ریشه داشته باشد و علت این اهتمام و مراقبت این است که خصوصیات نیاکان و گذشتگان با ازدواج منتقل می‌شود. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت و ضرورت توجه به این امر مهم و تأثیر آن می‌فرماید: «تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ؛ با خانواده‌ای شایسته و اصیل ازدواج کنید؛ زیرا ریشه‌ها به نسل سرایت می‌کند» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷). قرآن در آیه ۲۷ و ۲۸ سوره مریم به صراحت اعلام می‌کند که مادران

انبیاء خانواده‌ای اصیل، نجیب و پاک داشتند. «فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئاً فَرِيّاً يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأَ سَوْءٍ وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيّاً؛ و (مریم) درحالی که او را در آغوش گرفته بود وی را نزد قومش آورد، گفتند: ای مریم! به یقین چیزی شگفت (وزشت) آورده‌ای! ای (همانند) خواهر هارون (در پاکی) پدرت مرد بدی نبود و مادرت زن تجاوزکار (و آلوده) نبود» (مریم: ۲۷-۲۸).

این آیه اصالت و نجابت خانوادگی را در تربیت فرزند نشان می‌دهد به‌ویژه نقش مادر را آنجا که می‌گوید: «مادرت بدکاره نبود» عفت و پاکدامنی مادر مریم را مثال می‌زند و انتظار این است که از مادر عفیف و پاک، فرزندی پاک و عفیف پرورش یابد. برخی به حضرت مریم علیها السلام رو کردند و گفتند: «ای خواهر هارون! پدر تو آدم بدی نبود، مادرت نیز هرگز آلودگی نداشت باوجود چنین پدر و مادر پاکی این چه وضعی است که در تو می‌بینیم. چه بدی در طریقه و روش مادر دیدی که از آن روبرگرداندی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۵۰/۱۳). مستفاد از آیه شریفه تأثیر قداست و اصالت خانوادگی در تربیت دینی کودک است و خانواده باید در مسئله ازدواج فرزندان‌شان به این مهم توجه داشته باشند.

۶-۲-۵. اخلاق‌مداری

در تربیت اسلامی پرهیزکاری رأس هر امر، افضل اعمال و مورد محبت خداست؛ مهم این است که زن در مسیر آن قرار بگیرد و فکر و شخصیتش را براساس آن رنگ دهد. (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۱) روحیه و اخلاق مادر روی رشد فرزندش در مرحله جنینی تأثیر می‌گذارد. روحیه مادر باردار، روحیه فرزندش را شکل می‌دهد. این نه ماه از زندگی نوزاد، روی تمام عملکردهای فیزیکی، ذهنی، هوشی، حسی و روحی آنها در زندگی آینده‌شان تأثیر مستقیم دارد. رشد شخصیتی جنین تأثیر زیادی از شیوه زندگی مادر می‌گیرد. نفس مادر در هر مرتبه‌ای که سیر کند ابعاد وجود جنین رنگ همان مرتبه را می‌گیرد و تمایلاتش در آن مرتبه قوی‌تر از مراتب دیگر خواهد بود. اگر توجه مادر به خواسته‌های الهی باشد اثر مثبت روی جنین می‌گذارد و تمایلات انسانی را در او قوی‌تر می‌کند، اما اگر سیر مادر در مرتبه نازله نفس باشد استعدادهای کودک تمایل به مرتبه نازله دارد.

شاید به همین دلیل باشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «الشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَ السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؛ بدبخت کسی است که در رحم مادر گرفتار شقاوت می شود و خوشبخت کسی است که از شکم مادر سعادت‌مندی او پی‌ریزی می شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۵۷/۵)؛ یعنی شالوده سعادت و شقاوت در شکم مادر ریخته می شود، مسئولیت سعادت و خوشبختی کودک را مادر از بدو بارداری برعهده گرفته است؛ زیرا آبستن شدن، این مسئولیت را به دوش او نهاده است (موسوی راد لاریجانی، ۱۳۷۹، ص ۴۲). قرآن کریم از حضرت عیسی بن مریم و سلامت و پاکی روز ولادتش یاد کرده است و می فرماید: «وَالسَّلَامُ عَلٰی يَوْمٍ وُلِدْتُ؛ سلام بر روزی که متولد شدم» (روم: ۱۰). منظور از سلام در آیه شریفه، عموم عافیت است؛ یعنی پاکی کامل جسم و جان کودک در ایام بارداری از مادر تأثیر می گیرد و همه تحولات خوب و بد مادر در کودک اثرگذار است و کودک براساس آن ساخته می شود (فلسفی، ۱۳۴۱، ص ۱۰۰). برپایه مباحث یاد شده می توان نتیجه گرفت که تقوا و اخلاق مادران تأثیرات شگرف و جدی در تربیت و اخلاق کودکان دارد و اخلاق و عملکرد مادران به فرزندان به ارث می رسد.

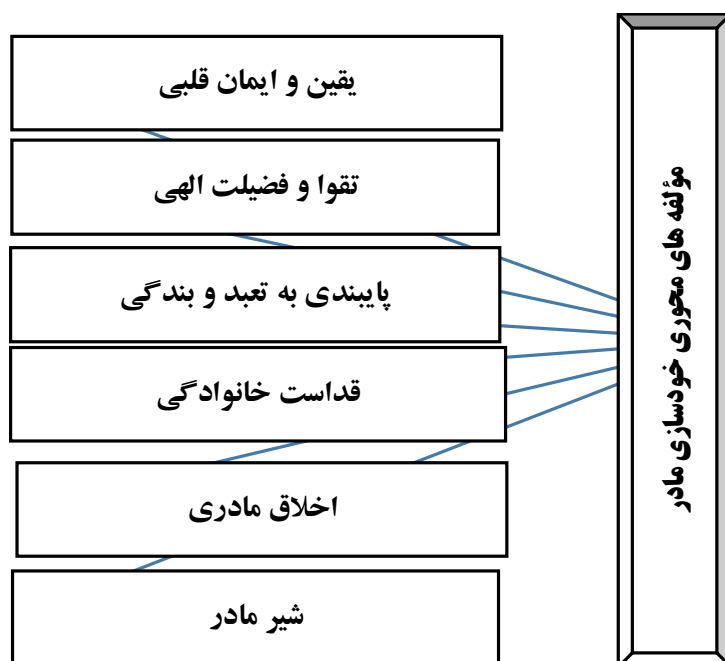
۶-۲-۶. شیر مادر

تغذیه کودک با شیر مادر در تربیت او نقش بنیادی دارد؛ زیرا بنیاد یک بنا اگر سست و کج و ضعیف باشد بقا و دوام و استحکام آن خدشه دار می شود. (موسوی راد لاریجانی، ۱۳۷۹، ص ۸۷) در دو سال اول زندگی، کودک از شیر مادر تغذیه می کند و از مادر جدایی ندارد و این ارتباط به حدی است که می توان گفت دو جسم در یک روح هستند. براین اساس می توان گفت شیر دادن مادر تنها تغذیه نیست، بلکه تبادل عاطفی و تقویت روحی است. کودک هنگام شیر خوردن، صدای قلب مادر را می شنود و آرامش نسبی پیدا می کند. کودکانی که از شیر مادر محرومند این آرامش را ندارند (قائمی، ۱۳۷۵، ص ۷۱). بسیاری از زنان امروزی برای فرار از شیر دادن به بهانه های مختلف مانند تغییر اندام و تغییر زیبایی ها و یا داشتن کارهای اداری و اقتصادی و فرهنگی در بیرون از خانه، کودکان بی گناه خود را با شیر خشک و یا غذاهای مصنوعی و ساختگی مشتهبه

و مشکوک تغذیه می‌کنند و بدین وسیله بزرگ‌ترین خیانت‌های جبران‌ناپذیر را به نوزادان خود روا می‌دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أما حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تُدْرِي مَا هُوَ لِعَظَمِهِ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَضَّةٍ كَعْدِلٍ عَثْقٍ مُحَرَّرٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرْبَ مَلَكٍ عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ: إِسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ، فَقَدْ غُفِرَ لَكَ؛ هَنَگَامِي كِه زَن بَارْدَار مِی شُود هِمَانَد رُوزِه دَار شَب زَنده دَار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد می‌کند و هَنَگَامِي کِه فَارِق شُود پاداشی دارد که نمی‌دانی عظمت آن چه قدر است و هَنَگَامِي کِه شیر بدهد در هر بار مکیدن پاداش آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل علیه السلام برای اوست و آن‌گاه که شیر دادن تمام شود فرشته‌ای بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید: عمل را از نو آغاز کن که بی‌تردید آمرزیده شدی». (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ص ۴۱۲)

از این روایت نورانی استفاده می‌شود که شیر دادن مادر به فرزند نقش بسزایی در رشد جسمی او دارد و از آنجا که ارتباط وثیق بین مادر و فرزند وجود دارد خصوصیات و روحیات مادر نیز به فرزند منتقل می‌شود. براساس این رهنمود سازنده می‌توان گفت که شیر دادن مادر به فرزند موضوعیت دارد و شیر خشک و امثال ذالک نمی‌تواند جایگزین آن شود و اگر برآیند و خروجی آن بخشیدن گناهان مادر باشد باید تأثیرات فراوان این شیردادن در فرزندان سوای از تغذیه را به همراه داشته که به نظر مسئله تأثیرات روحی و روانی آن از مواردی است که می‌توان فهمید که پاکی و طهارت شیر مادر و خودسازی آن نقش کلیدی به همراه دارد که مادران باید به این مهم توجه داشته باشند.



شکل ۱: نمودار مؤلفه های محوری خودسازی مادر

۷. نتیجه گیری

خودسازی مادر نقش تعیین کننده ای در تربیت دینی کودک دارد. مادر عنصر مهم و اساسی فراهم کردن بستر تربیت فرزند در دوران بارداری و شیردهی و فرایند رشد در دامن پاک و پرمهر و محبت خود است. ره آوردهای تجربی بشر و رهنمودهای وحیانی قرآن و عترت بیانگر آن است که حالات و صفات مادر در دوران قبل از بارداری در تربیت و اثرپذیری کودک از آموزه های دینی بسیار مؤثر است. افزون بر آن اصالت خانوادگی، ایمان قلبی و اخلاق شایسته مادر از مواردی است که در دوران بارداری بر رشد معنوی کودک تأثیر بسزایی دارد. این مهم در بزرگسالی کودکان به شکل برجسته خودش را نشان می دهد. شیر مادر نیز از مواردی است که در تربیت دینی کودک، رشد فضیلت انسانی، پرورش اعتقادات و اخلاقی کودک و پرورش اعمال صالح کودک بسیار اثرگذار است. براین اساس تأثیرات خودسازی مادر هم قبل از بارداری، هم هنگام بارداری و هم بعد از بارداری تأثیرات عمیق و ژرفی در تربیت دینی کودک دارد و اندیشه توحیدی

به واسطه برکت و وجود مادر در کودک نهادینه و ماندگار می‌شود. بنابراین، مادران باید به این مهم توجه خاص داشته باشند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۳). مترجم: رضایی اصفهانی، محمدعلی. قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
۱. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۷۹). نهج البلاغه. مترجم: دشتی، محمد. قم: مشهور.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالصادر.
۴. ابن میثم کمال الدین میثمین علی بن میثم بحرانی (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. مترجم: عارف، محمدصادق. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۵. ابوالقاسمی، عباس، کیامرئی، آذر، و آق، عبدالصمد (۱۳۹۰). ارتباط رفتارهای دینی و خودآگاهی با نارسایی‌های شناختی در میان سالان. نشریه روان‌شناسی و دین، ۴(۴)، ۲۷-۴۱.
۶. احمدی، احمد (۱۳۷۵). مفهوم تربیت دینی و راه‌های وصول به آن. نشریه تربیت، ۱۲(۲)، ۵۶-۵۹.
۷. اعرافی، علیرضا، و موسوی، سید نقی (۱۳۹۱). تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی. نشریه تربیت اسلامی، ۷(۱۴)، ۲۸-۷.
۸. بحرانی، ابن میثم (۱۳۷۵). شرح نهج البلاغه. مترجم: عارف، محمدصادق. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. بهشتی، سعید، و نیکویی، روشنگر (۱۳۹۰). کاوش‌هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام. تهران: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی.
۱۰. خانزاده، عباسعلی حسین، ملکی منش، آرزو، طاهر، محبوبه، و مجرد، آرزو (۱۳۹۷). تأثیر آموزش مهارت خودآگاهی بر کاهش رفتارهای پرخطر، اعتیادپذیری و خودکشی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی. نشریه اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۴(۱)، ۱۳۵-۱۶۰.
۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۶). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. تهران: نشر مرتضوی.
۱۳. ربانی، محسن، خان محمدی، کریم، و افروغ، عماد (۱۳۹۹). مفهوم فرهنگی اجتماعی کودکی از دیدگاه قرآن. نشریه اسلام و مطالعات اجتماعی، ۸(۲)، ۱۲۵-۱۵۴.
۱۴. طباطبایی بروجردی، سید حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث شیعه. تهران: فرهنگ سبز.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: موسوی همدانی، محمدباقر. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طبرسی، حسین بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: الاشریف الرضی.
۱۷. عباسی مقدم، مصطفی (۱۳۹۳). اسوه‌های قرآنی و شیوه‌های تربیتی و تبلیغی آنان. نشریه تربیت تبلیغی، شماره ۳ و ۴، ۱۰۵-۱۳۵.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین. قم: هجرت.

۲۰. فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۵). ارتباطات انسانی. تهران: امیرکبیر.
۲۱. فلسفی، محمدتقی (۱۳۴۱). کودک از نظر وراثت و تربیت. تهران: معارف اسلامی.
۲۲. قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۵). دوران طلایی تربیت تا هفت سالگی. قم: نورالزهرا علیه السلام.
۲۳. قائمی، علی (۱۳۷۵). نقش مادر در تربیت. تهران: انتشارات امیری.
۲۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. لطیفیان، مرتضی، و سیف، دیبا (۱۳۸۶). بررسی تأثیر خودآگاهی بر اختلالات روابط بین فردی دانشجویان شیراز. نشریه علوم اجتماعی و انسانی، ۲۶ (۳)، ۱۳۵-۱۵۰.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). خودشناسی برای خودسازی. قم: مؤسسه در راه حق.
۲۸. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: دانشگاه تهران.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. موسوی راد لاریجانی، حسین (۱۳۷۹). پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کن. قم: امام شناسی و آثار الحجه روحیه الامت.